روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲


# روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه • ۲۸ فروردین ۱۳۹۷ • ۳۰ رجب ۱۴۳۹ • ۱۷ آوریل ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۲۵ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۱۹:۵۸ • اذان صبح‌فردا ۴:۵۹ • طلوع آفتاب ۶:۲۸

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com


میدون و سوفیا

## کاوه به سعی سایه

پوریا عالمی

● سوفیا زنگ زد و گفت کاوه مدنی یک شعر از هوشنگ ابتهاج (سایه) توی توییتر گذاشته؛ معنی‌اش کن.

**روزگارا قصد ایمانم مکن**
**زآنچه می‌گویم پشیمانم مکن**

این بیت یعنی زندگی همین‌طوری‌اش واقعا خیلی سخت است و دهان‌مسواکی بدی دارد. لطفا دیگر بدترش نکن. حالا ما گفتیم طبیعت دارد از بین می‌رود... شما کار غیرطبیعی نکن. ما گفتیم مردم آشغال نریزند که طبیعت از بین نرود. اصلا هر کی دوست دارد با طبیعت هر کاری بکند... اصلا من برای چی فکر کردم مسئول زمین من هستم؟ خدایا خودت می‌دانی و اینها.

**گم مکن از راه پیشاهنگ را**
**دور دار از نام مردان ننگ را**

خدایا آدم وقتی به‌عنوان لیدر چند نفر را می‌برد طبیعت و پیشاهنگی می‌کند خیلی ضایع است که مسیر را گم کند. این‌طوری هم ملت را آواره بیابان کرده، هم اسم خودش را سرچ کند # ننگ (هشتگ ننگ) خواهد دید. به‌همین‌منظور خدایا خودت کمک کن که آدم نه راه را گم کند، نه به‌دلیل حرف مردم یا فشار راهش را کج کند.

**گر دروغی بر من آرد کاستی**
**کج مکن راه مرا از راستی**

خدایا... آن که روی فلسفه انسان در طبیعت کار می‌کرد مسئله پیدا کرد. من روی خود طبیعت کار می‌کردم مسئله پیدا کردم. نتیجه می‌گیریم مسئله نه فلسفه است، نه طبیعت، مشکل جای دیگری است.

**پای اگر فرسودم و جان کاستم**
**آنچنان رفتم که خود می‌خواستم**

خدایا می‌بینی؟ آدم از دست سیاست‌مدارها به طبیعت و از دست سیاست به ادبیات پناه می‌برد.

پرنده آبی

## ناامیدی، کاوه مدنی و قطعی آب

● کاربران در شبکه‌های اجتماعی درگیر چند مسئله هستند و نظرات خود را درباره خروج کاوه مدنی از ایران، فیلترنشدن تلگرام طبق تعبیری از سخنان فیروزآبادی، رئیس شورای‌عالی فضای مجازی، پیدانکردن سعید مرتضوی از سوی دادستان، لباس تیم ملی که شبیه یک عرق‌گیر ساده است و همچنین اظهارات تاج به دلیل حضور مسعود شجاعی در تیم ملی و قطعی آب بیان می‌کنند. استعفای کاوه مدنی که توسط توییتی از محمود صادقی اعلام شده است، موجی از ناامیدی را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده. بسیاری از کاربران حضور این نخبه را فتح بابی برای گشایش فضا و برقراری ارتباط بین تحصیل‌کردگان و دولت دانسته بودند. کاوه مدنی نیز در ابتدی حضور در ایران ابراز امیدواری کرده بود حضورش سبب شود که فضای کار و حرکت به جلو ایجاد شود، اینکه باور عمومی درباره سختی حضور در ایران تغییر کند، اکنون با اعلام استعفایش موجی از دریغ و افسوس از سوی بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی مطرح شده است. به‌خصوص که او یکی از کارشناسان بحران آب بود و امید به دانش او برای حل تدریجی معضل کمبود آب وجود داشت. در این میان درحالی‌که انتشار عکس‌هایی از فضای زیبا و بارانی تهران و شهرهای مختلف جزء روال این چند روز است، اما بحث قطعی آب در شهرهای مختلف هم آنها را عصبانی کرده؛ مثلا بحث قطعی آبی در مدرسه‌ای در زاهدان. گرگان، کرمانشاه، زابل، شیراز و... از جمله شهرهایی هستند که با قطعی آب درگیر هستند. مشکلات سیستان، اهواز و... بارها مطرح شده است.

در این میان ادامه بحث پیراهن ساده‌ای که برای تیم ملی طراحی شده و حذف یوزپلنگ ایرانی از روی آن و عدم برقراری ارتباط بین برندهای مطرح جهان و ایران با واکنش منفی مخاطبان روبه‌رو شده است. در این میان بسیاری از کاربران به انتشار عکس‌های سعید مرتضوی به‌عنوان گمشده در شهرهای تهران و مشهد اقدام کرده‌اند و هنوز هم به عدم احضار و دستگیری او واکنش نشان می‌دهند.

پیشنهاد

نمایشگاه پایان‌نامه‌های قدیمی دانشگاه تهران از ۲۰ فروردین تا ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ در محل کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران دایر خواهد بود. در این نمایشگاه تعدادی از پایان‌نامه‌های قدیمی مربوط به سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۴۵ از دانشسرای عالی و دانشگاه تهران در حوزه‌های مختلف علوم ازجمله پزشکی، علوم انسانی و اجتماعی، کشاورزی، دامپزشکی و سایر رشته‌ها در معرض دید قرار گرفته است. ازجمله مشاهیری که پایان‌نامه ایشان به نمایش درآمده است، می‌توان به مرحوم منوچهر ستوده، سیمین دانشور، محمدتقی دانش‌پژوه، سیدصادق گوهرین، روح‌الله خالقی و... اشاره کرد.

کارتون خواب

علی رومانی
aliromani84@gmail.com

### خشکسالی در کمین کشاورزان

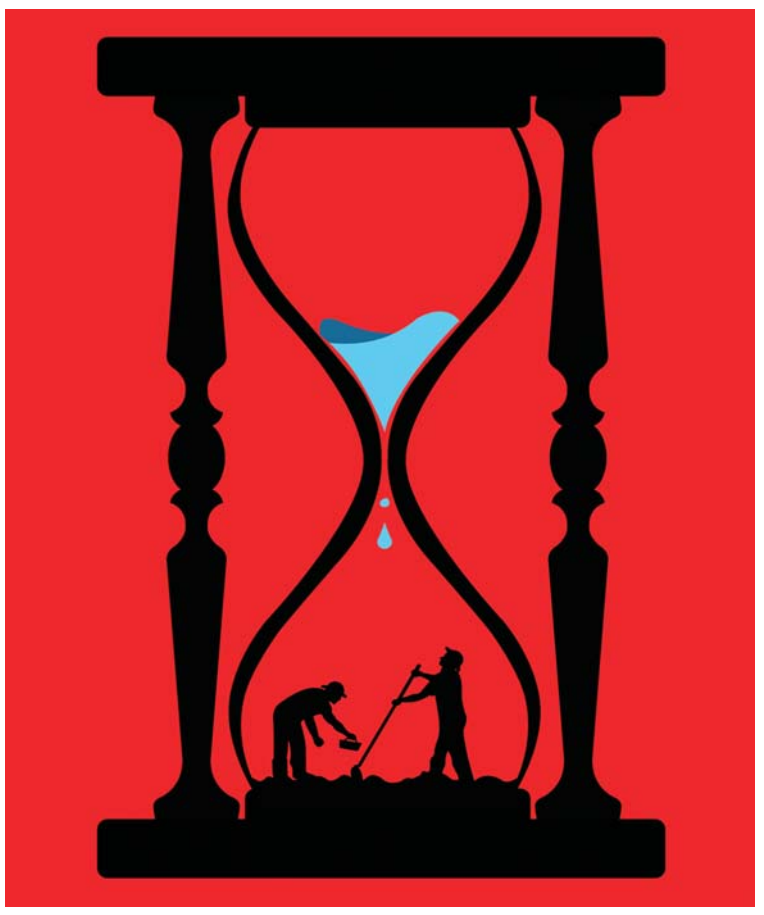

گزارش فردا

معمار بنای یادبود بوخنوالد:

## ترامپ حتی عقلش نمی‌رسد که فاشیسم یعنی چه

ترجمه: ساسان گلفر

هفته‌نامه آمریکایی نیوزویک به مناسبت فرارسیدن هشتادوسومین سالگرد آزادسازی اردوگاه مرگ نازی‌ها موسوم به بوخنوالد که در ۱۵ آوریل (۲۶ اردیبهشت) ۱۹۴۵ میلادی در آخرین روزهای جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد، یادداشتی درباره یکی از جان‌به‌در بردگان این اردوگاه منتشر کرد که در آن به شباهت‌های آمریکای معاصر با آلمان نازی اشاره شده است. در عنوان این مقاله به نقل از استیفن جیکوبز که در زمان آن رخدادها شش سال داشت و اکنون ۸۹ساله است، آمده: «من یک بازمانده هولوکاست هستم. آمریکای ترامپ حس و حالی مانند آلمان قبل از سرنگونی نازی‌ها دارد». جیکوبز که سال‌ها بعد از جنگ در آمریکا آرشیتکت موفقی شده و بنای یادبود هولوکاست در اردوگاه بوخنوالد در وایمار آلمان را طراحی کرده است، می‌نویسد: «هر روز همه‌چیز از بد به بدتر تغییر می‌کند. مشکل بزرگی در حال رشد است». او معتقد است که شرایط اجتماعی فعلی آمریکا «شباهتی مستقیم» با وضعیت آلمان در فاصله دو جنگ جهانی دارد. شاید هشداردهنده‌ترین مسئله پیشروی‌های گستاخانه راست افراطی و تحرک آن در جریان اصلی سیاست‌های آمریکا و نفرت‌پراکنی در سخنرانی‌هاست که به گفته او «حال‌وهوای برلین ۱۹۲۹ یا ۱۹۳۰ را دارد».

جیکوبز می‌گوید: «چیزهایی که چهار یا پنج سال پیش نمی‌شد گفت و کسی نمی‌توانست در عرصه عمومی از این قبیل صحبت‌ها داشته باشد؛ درحال‌حاضر گفتاری عادی است. این کاملا نامقبول است. ما فکر می‌کردیم کشورمان (ایالات متحده) تغییر کرده است. در واقع این اتفاق نیفتاده است. ما اشتباه می‌کردیم. آن‌وقت داشتیم می‌گفتیم: «خدایا ما یک رئیس‌جمهور سیاه‌پوست (اوباما) را در ایالات متحده انتخاب کرده‌ایم! ببینید به کجا رسیده‌ایم؟»؛ اما واقعیت این‌طور نبود». او معتقد است که راست افراطی، ترامپ را برای خود مایه «توان‌بخشی» می‌داند.

این آرشیتکت برجسته که پنجاهمین سالگرد تأسیس مؤسسه طراحی ساختمانش را سال گذشته جشن گرفته است، می‌گوید: «من زمانی در املاک و مستغلات نیویورک مشغول به کار بودم و شخصا این شخص (ترامپ) را از نزدیک می‌شناسم. ترامپ یک ابزار قدرتمند است. قدرت توانمندسازی را دارد؛ اما هیچ ایده‌ای ندارد. خودش هیچ‌کس نیست». جیکوبز درباره ویژگی‌های شخصیتی ترامپ می‌افزاید: «او یک فرد مریض و بسیار مضطرب است. من نمی‌توانم بگویم که ترامپ فاشیست است؛ چون برای فاشیست‌بودن باید اول بدانید که فاشیسم یعنی چه؛ و فکر نمی‌کنم که او حتی در آن حد قدرت ذهنی داشته باشد که بتواند این مفهوم را درک کند». جیکوبز محل سکونت خود، نیویورک را «جزیره مقاومت» می‌نامد؛ اما معتقد است که واشنگتن (پایتخت سیاسی ایالات متحده) نیز به‌زودی متوجه خواهد شد که «در مقابل فاشیسم باید مقاومت کرد». او در سال ۱۹۳۹ در لودز لهستان متولد شد. پدرش که پزشک بود، مدت کوتاهی پس از حمله نازی‌ها به لهستان در سپتامبر همان سال، خانواده‌اش را به پیوترکوف در نزدیکی ورشو منتقل کرد؛ اما پیوترکوف که جایگاه بسیاری از پناهندگان یهودی فراری در لهستان بود، تبدیل به اولین گتوی نازی‌ها شد. اهالی آن گتو در سال ۱۹۴۲ به یک اردوگاه کار اجباری با دو کارخانه منتقل شدند و خانواده جیکوبز تا سال ۱۹۴۴ در آن زندگی کرد و بعد بی‌رحمانه از هم پاشید. زنان خانواده - مادر استیفن، سه خاله و مادربزرگش - به یک اردوگاه در راونزبروک منتقل شدند و مردانش یعنی خود او، برادر بزرگ‌تر و پدرش، به بوخنوالد. جیکوبز می‌گوید: «چون در بوخنوالد اگر کار نمی‌کردی، چیزی برای خوردن به تو نمی‌دادند، به من یک کارت شناسایی دادند که در آن نوشته شده بود ۱۶ساله هستم. من فقط پنج سال داشتم». جیکوبز در کارخانه تولید کفش کار می‌کرد و هر روز باید در سرشماری شرکت می‌کرد. اگر کسی کار می‌کرد، نازی‌ها او را مفید می‌دانستند و آنهایی که توانایی کارکردن نداشتند، ازجمله بچه‌های همسن و سال جیکوبز، به اتاق‌های مرگ فرستاده می‌شدند. او مجبور بود هر وقت که نازی‌ها وارد کارخانه می‌شدند، کلاه بر سر بگذارد و تنش را تا نیمه در کفش‌ها پنهان کند و اگر درباره سن او سؤال می‌شد، دروغ بگوید. به نوشته نیوزویک اندکی پیش از آنکه متفقین برای آزادسازی اردوگاه سر برسند، شرایط خطرناک‌تر شد چون نازی‌ها برای کاستن از جمعیت اردوگاه عجله کردند. بالاخره پدرش که نازی‌ها برای جلوگیری از گسترش بیماری سل در میان خودشان به تخصص او احتیاج داشتند، به ترفندی توانست خودش و دو پسرش را نجات دهد. جالب اینکه همه خانواده پراکنده او در سه اردوگاه بوخنوالد، راونزبروک و برگن-بسلن نجات پیدا کردند و حتی مادربزرگش زنده ماند؛ گرچه چند روز بعد از رسیدن نیروهای بریتانیایی از دنیا رفت. استیفن در سال ۱۹۹۵ و در پنجاهمین سالگرد آزادی بوخنوالد به آن اردوگاه بازگشت و موزه‌ای در آنجا افتتاح کرد. او اکنون امیدوار است که با برپاکردن چنین بناهای یادبودی اجازه ندهد جوانان آلمان، آمریکا و سایر کشورهای غربی واقعیت وحشتناکی مانند قدرت‌گرفتن فاشیسم را از یاد ببرند.

یادداشت

آیا جعفر پناهی می‌تواند در جشنواره کن حضور پیدا کند؟

## انواع ممنوعیت‌های خروج از کشور

بهمن کشاورز

۱- ممنوعیت اتباع ایران یا افرادی که در ایران مرتکب جرمی شده باشند، به دو صورت متصور است: اول) صدور قرار ممنوعیت خروج از کشور با عنوان اقدام تأمینی به‌منظور در دسترس نگه‌داشتن متهم که مدت آن شش ماه و در صورت لزوم و اقتضا با استدلال قابل تمدید است. این نوع ممنوعیت‌ها به دادستانی کل کشور اعلام می‌شود و از آن طریق به مبادی مربوط منعکس می‌گردد و دادستانی مکلف است موارد را به‌نحوی کنترل کند که در صورت انقضاء مدت، ممنوع‌الخروجی ادامه پیدا نکند. دوم) ممنوعیت خروج از کشور به‌عنوان مجازات تکمیلی است. قانون سابق مجازات اسلامی در ماده ۷۲۸ خود به قاضی اختیار داده بود از مجازات‌های تکمیلی استفاده کند و ماده ۶۲ مکرر سابق نیز محرومیت از حقوق اجتماعی را که به خودی خود در مجازات‌های جرائم عمدی اعمال می‌شد، پیش‌بینی کرده بود. هر دوی این موارد بدون قید مدت و به‌این‌ترتیب تعیین مدت، داخل در اختیارات قاضی محسوب می‌شد و از آنجا که ماده ۱۹ سابق و ماده ۲۰ نیز ضمن بحث از تتمیم مجازات به شکل محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت، بدون قید مدت یاد کرده بود، اصولا تعیین مدت در مجازات‌های تکمیلی یا تبعی مطرح نبود.

۲- قانون مجازات اسلامی جدید مصوب سال ۱۳۹۲ در ماده ۲۳ خود برای دادگاه این اختیار را قائل شده که فردی را که به مجازات تعزیری درجه شش تا درجه یک محکوم می‌شود، به یک یا چند مجازات تکمیلی محکوم کند. قانون‌گذار برخلاف قانون سابق این مجازات‌ها را دقیقا برشمرده و بند ج ماده، منع خروج ایرانیان از کشور را به‌عنوان مجازات تکمیلی مقرر کرده که به‌صورت اخذ و ابطال گذرنامه و منع تقاضای مجدد اجرا می‌شود.

۳- نکته مهم اینکه در تبصره یک ماده ۲۳ تصریح شده است مدت مجازات‌های تکمیلی بیش از دو سال نمی‌تواند باشد؛ یعنی اختیار تعیین مدت از دادگاه سلب شده است. موضوع محرومیت از حقوق اجتماعی نیز در ماده ۲۶ احصاء شده که جز در مورد اشتغال به مشاغل بسیار مهم در بیشتر موارد با تحقق اعاده حیثیت، این حقوق اعاده می‌شود.

۴- حال اگر موردی باشد که مثلا ممنوعیت خروج از کشور با عنوان مجازات تتمیمی و در زمان حاکمیت قانون سابق برای کسی به مدت ۲۰ یا ۱۰ سال تعیین شده باشد و حکم نیز قطعیت یافته باشد، طبق ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی جدید چون محدودیت مدت اجرا به حال مرتکب مساعدتر است، قاضی اجرای احکام مکلف است اصلاح حکمی را که در حال اجراست از دادگاه صادرکننده حکم، تقاضا کند.

۵- توجه شود که به موجب ماده ۵۷۹ قانون مجازات، سخت‌تر مجازات‌کردن محکوم از آنچه در حکم آمده یا او درخور آن است، خود جرم است و مجازات دارد. والله اعلم.

نکته

## امان از ۳ میمون خردمند

لیلی فرهادپور

زمان شاه نوجوان بودم، ولی این‌قدر عقل‌رس شده بودم که بفهمم در مورد شاه و ساواک نباید بلندبلند حرف زد، چون دیوار موش دارد موش هم گوش. این‌گونه حرف‌ها مگو بودند مگر درگوشی گفته شوند. همان‌موقع‌ها به سه میمون خردمند ژاپنی‌ها برخوردم که می‌گفتند نشنو، نگو، نبین. البته می‌گویند این اسطوره ژاپنی حرفشان این است که شر را مشنو، مگو و نبین! حالا این شر چیست، چرا هست و چرا باید باشد اهمیت چندانی نداشت.

اما حالا الحمدلله در همه‌جا می‌شود همه‌چی گفت؛ در تاکسی، در اتوبوس یا در محفل‌های خانوادگی یا اداری. قبول کنید که از صبح تا شب می‌شود به پایین و بالای همه‌چی، همه‌چی گفت و شب هم راحت رفت خانه خوابید، اما انگار حرف باد هواست و وقتی قرار است بنویسی یا فیلم و تئاتر بسازی آن‌موقع است که نظارت و سانسور می‌شوی و اینجاست که این سؤال بزرگ مطرح می‌شود که آیا این نظارت! همان بستن چشم و گوش بر آنچه در جامعه می‌گذرد نیست؟

درواقع الان طوری شده که سانسور (درست یا غلط) بیشتر بر محق‌بودن حرف‌ها مهر تأیید می‌زند. روز سیزده‌بدر خبری در مورد توقیف یکی از فیلم‌های روی پرده در دنیای مجازی پخش شد و بعد گفته شد که این دروغ سیزده است. این یعنی استفاده از توقیف و سانسور برای تبلیغ مستقیم فیلم موردنظر که البته نوش جانشان! این را همه می‌دانند که هر فیلم، تئاتر و کتابی در محاق توقیف قرار بگیرد فوری معروف می‌شود و محبوب و استفاده از این ترفند برای تبلیغ فیلم، خب نشانه خلاقیت است.

ولی مسئله وقتی تبدیل به یک معضل فرهنگی می‌شود که بحث درباره حرف‌ها و تحلیل‌های نادرست هم جزء مگوها قرار بگیرد؛ یعنی حق نداشته باشی درباره‌اش حرف بزنی و باید خودت را بزنی به آن کوچه، نبینی، نشنوی و نگویی و بگذاری مثل قارچ رشد کنند.

یکی از این حرف‌ها که مسئولان و رسانه‌ها در مقابل آنها میمون خردمند شدند (و تازگی هم ندارد) برخی نگاه‌ها در جامعه ما به مسئله حمله آمریکا و متحدانش به سوریه است. اینکه آمریکا خوب کرد! و... بقیه‌اش را خودتان بهتر می‌دانید. قبل از این حمله هم بارها شنیده بودیم که آمریکا بیاید بزند ما دست اینها راحت بشیم! و امثال این حرف‌ها... مسئله اینجاست که باید اجازه داشته باشیم درباره این حرف‌های مطرح‌شده در افواه بنویسیم و این اشتباهات بزرگ فرهنگی را به مردم گوشزد کنیم که اگر مخالف سیاست خارجی ایران در مقابل سوریه هستیم نباید ضد ایران، ضد مردم سوریه و ضدانسانیت بشویم.

مثل کوبایی‌های میامی که در مخالفت با سیاست‌های کاسترو تا جایی پیش رفتند که ضدکوبا شدند و دست در دست پنتاگون گذاشتند. بگذارید ببینیم، بشنویم و درباره همه‌چی صحبت کنیم و این میمون‌های خردمند را بیندازیم سطل آشغال.

سلام به فردا

## تولید داخلی یا خارجی؛ مسئله این است!

امیرحسین علم‌الهدی

واقعیت را بخواهید دیگر نمی‌دانم چی درست است و چی غلط! تلگرام خارجی خوب است یا پیام‌رسان‌های داخلی؟

برنامه‌های تلویزیون داخلی خوب است یا برنامه‌های تلویزیون خارجی؟ باید از تولید داخلی حمایت کنم یا از تولید خارجی؟

کلا سرگیجه گرفته‌ام از این‌که از چی باید حمایت کنم یا از چی نباید حمایت کنم؟

چرا رسیدیم به این مرحله که هرچی خارجی‌اش خوب است و داخلی‌اش بد!

چرا وقتی به تولیدات داخلی می‌نگرم نمی‌توانم از کیفیت آنها دفاع کنم و به محض اینکه نام خارجی خودنمایی می‌کند، توان قیاس با تولید داخلی را ندارم!

نمونه بارزش همین خودروهای داخلی که مربوط به ۴۰ سال پیش یک کشور آسیایی است و حالا با کمی تغییر شکل جزئی و آپشن‌های خنده‌دار به ارابه مرگ تشبیه می‌شود، آن هم از سوی متولیان حفظ جان مردم این سرزمین! مگر می‌شود در کنار آخرین مدل‌های ماشین‌های خارجی که در سطح شهر و روستا رژه می‌روند از خودروی داخلی دفاع کرد؟

قبول دارم که «هویت» هر کشوری به «تولید» است و اگر «تولید» نباشد نمی‌توان از آن کشور نامی یافت، به‌جز در نقشه جغرافیایی جهان!

اما حمایت از تولید داخلی که بر همه واجب است مقدماتی دارد که اگر مقدمات آن «شأنیت» نیابد، این هدف مهم نیز مثل خیلی از شعارها و سیاست‌ها به بایگانی سپرده شود!

در زمانی که با اطلاعات شبکه‌های مجازی در گوشی تلفن همراه می‌توانید در تمام ابعاد زندگی خود را با دیگران قیاس کنید نمی‌توان صرفابا آیین‌نامه از تولید داخلی حمایت کرد!

می‌دانیم در همین سرزمین تولیدکنندگانی هستند که با خون دل کالای مرغوب تولید می‌کنند که متأسفانه در اقلیت قرار دارند و باز هم متأسفانه چنان در اذهان مردم ته‌نشین شده است «مفهوم» کالای بی‌کیفیت ایرانی که برای زدودن این فرهنگ غلط باید مردم در تأمین مایحتاج زندگی خود؛ از مواد غذایی گرفته تا خودرو و لوازم لوکس زندگی «کیفیت» را لمس و با تمام وجود «حس» کنند و این میسر نمی‌شود مگر اینکه تولیدکنندگان با تولید «مفهوم جهانی» طرف شوند و تولیدات داخلی در تمام دنیا و نه‌فقط ایران خریدار داشته باشد. به نظر می‌رسد بازتعریف مفهوم تولید «بومی» باید در دستور کار قرار گیرد و تولیدکنندگان ایرانی اول به «مقیاس جهانی» تولیدات خود را طراحی و تولید و عرضه کنند و فقط در این صورت است که می‌توانند در دنیای «قیاس‌آنلاین» خود را با سایر تولیدکنندگان جهانی محک بزنند و مردمان کشورشان را با دل و جان از «تولید داخلی جهان‌پسند» به مصرف بیشتر دعوت کنند. در دنیای «قیاس‌آنلاین» دیگر نمی‌توان گفت «بهترینیم» مگر با تولید کیفی در مقیاس جهانی... .

پنجره

## داستان باغ‌وحش

درباره نگهداری حیوانات در باغ‌وحش‌ها نظرات متفاوتی وجود دارد. عده‌ای از طرفداران محیط زیست جزء مخالفان سرسخت باغ‌وحش‌ها در جهان هستند. درباره وضعیت باغ‌وحش‌های ایران نیز نگرانی‌هایی وجود دارد.

۱- در ایام تعطیلات عید از یکی از باغ‌وحش‌های شهرهای کوچک (لرستان) عکس‌هایی منتشر شد که وضعیت ناگوار حیوانات آنجا را نشان می‌داد. چند روز بعد در پنجم فروردین آن باغ‌وحش بسته شده است.

۲- در ایام نوروز ابتدا خبر آمد بر اثر وزش تندباد شدید دیواره‌های باغ‌وحش ارومیه فروریخته و هشت نوع حیوان وحشی از باغ فرار کرده‌اند، بعد اعلام شد چهار گرگ و دو میش فرار کرده بودند که چهار گرگ پیدا شدند.

۳- در خبرها آمد که هفت باغ‌وحش در سراسر ایران در این مدت بسته شده‌اند و در کمال تعجب نام باغ‌وحش شهرهای بزرگی نظیر شیراز هم در آن به چشم می‌خورد. طبق بررسی‌های انجام‌شده در سال ۹۲ هیچ نظارتی بر حدود ۶۰ درصد از باغ‌وحش‌های ایران نمی‌شود.

۴- بعد از اینکه سازمان محیط زیست مجوز استفاده و بهره‌کشی از حیوانات در سیرک‌ها را لغو کرد، حدود ۷۰ تا ۸۰ قلاده شیر مازاد در سیرک‌ها به باغ‌وحش شیراز تحویل داده شدند، اما وضعیت باغ‌وحش شیراز هم وضعیت مناسبی برای نگهداری این حیوانات نبود.

۵- مشهورترین باغ‌وحش تهران در نزدیکی پارک ارم قرار دارد و در شهرهایی نظیر کیش تجربه آکواریوم به شکست منجر شده است.

۶- از قدیمی‌ترین باغ‌وحش‌های ایران، باغ‌وحش مشهد است که ۷۰ سال قدمت دارد.

۷- طبق قوانین ایران، باغ‌وحش‌ها نباید در حریم شهری باشند و باید با ساختمان‌های مسکونی حدفاصل مشخصی داشته و بر اساس استانداردهای سازمان حفاظت محیط زیست باشند و در صورتی که امکان جابه‌جایی نداشته باشند باید در کمیسیون ماده ۸ استانداری‌ها درخصوص آنها تصمیم‌گیری شود.

۸- قدیمی‌ترین باغ‌وحش، باغ‌وحش وین است که در سال ۱۷۵۲ برای خانواده سلطنتی تأسیس شده است.

۹- در سراسر دنیا بیش از ۱۰ هزار باغ‌وحش و آکواریوم به نگهداری از حیوانات می‌پردازند. ۲۱۲ باغ‌وحش در بالاترین سطح استاندارد هستند.

۱۰- بزرگ‌ترین باغ‌وحش دنیا در سن‌دیه‌گو است که بیش از چهارهزارو ۵۰۰ حیوان از ۹۰۰ نقطه دنیا در آن نگهداری می‌شوند.

۱۱- چندی پیش فرار ۵۲ میمون (بابون) از باغ‌وحش پاریس مورد توجه قرار گرفت.

۱۲- باغ‌وحش غزه در فلسطین، به علت مشکلات جدی در نگهداری حیواناتش، سه توله‌شیر را هر یک به قیمت سه هزارو ۵۰۰ دلار به فروش گذاشت.

۱۳- همیشه اتفاق‌های جالب درباره حیوانات مورد توجه انسان‌هاست؛ مثلا چندی قبل بچه‌فیلی را مادرش بعد از زایمان قبول نکرده، بچه‌فیل پنج ساعت گریه می‌کرده تا بعد از کلی تلاش کارکنان باغ‌وحش آرام شده است.

۱۴- در جدیدترین راه‌حل، ژاپنی‌ها به‌جای به‌اسارت‌کشیدن حیوانات، با همکاری نشنال جئوگرافیک یک باغ‌وحش مجازی ساخته‌اند. در این باغ‌وحش هفت‌بُعدی بازدیدکنندگان از این پارک می‌توانند حیوانات را لمس، احساس و حتی بوی آنها را حس کنند.